



شعر نه تقلید است و نه تقلید تقلید بلکه یک واقعیت درونی است و بر خلاف سخن افلاطون که شعر را تقلید تقلید می‌داند و این پدیده پاینده را در زوایایی از کارکردی دردمانی در جامعه محسوب نمی‌دارد باید گفت که شعر یک واقعیت درونی است و این واقعیات از زیر لایه‌های معرفت‌شناسانه حقیقت طبیعت نشأت می‌گیرد و به بیانی درد جامعه را در ابعادی متفاوت درمان می‌کند. ابزار یک تاجر برای ساختن یک تخته چوب‌ساز است که با نوع و جنس تخته چوب‌ساز و مرتبط می‌شود و ابزار یک شاعر برای ساختن یک شعر واژگانی است که با نوع و جنس مردم سازگار است. بر همین اساس درمی‌یابیم که کارکرد درمانی و کارکرد دردمانی شعر در جامعه بستگی به نوع و جنس واژگان هم دارد. به رفتاردرمانی یک فرد یا سرودن یک تکبیت یا بیشتر به شرطی که فرد به فهم و درک درستی از آن شعر دست یابد و تأثیر مفهومی و فرهنگی خود را در فرد بر جای بگذارد کارکرد درمانی شعر می‌گویند. کارکرد دردمانی شعر نیز به کارکردی اطلاعاتی می‌شود که این نوع کارکرد در درد جامعه دردی دیگر را بنا می‌نهد که این درد یا تمریش و مفید است یا دردمند و ایستا. به‌همانند خواندن یک بیت شعر برای جامعه که دارای درونمایه‌ی دردآور است، اما این نوع و جنس شعر هم با نوع و جنس افراد ارتباطی نتانگتک دارد و هم مرهمی بر زخم و دردهای این‌گونه افراد است.

دردمانی شعر به معنی اضافه کردن دردی دیگر به درد اصلی فرد است و ممکن است که تسکین حال درد اصلی فرد هم باشد. بر این تفسیر از کارکرد شعر به این مهم دست می‌یابیم که شعر از دولا به اساسی در جامعه برخوردار شده است. نخست لایه شادی جامعه است. شاعرانی که درونمایه شعرشان آکنده از عشق، صلح و دوستی است لایه شادی جامعه را تشکیل می‌دهند و شاعرانی که درونمایه شعرشان مشحون از درد، غم و انتقاد است لایه غم جامعه را تشکیل می‌دهند و این دو کارکرد از بطن همین دولا به شعری خیز برمی‌دارند. به هراندازه‌ای که جامعه شاد یا غمگین باشد به همان مقدار شعر می‌تواند کارکرد و کاربرد داشته باشد. مرگ‌اندیشی و درداندیشی در شعر زمانی شکل می‌گیرد که شاعر واقعیات جامعه را در همین سمت و سیاق بنگارده‌گر است و چاره‌ای جز تصویر واقعیت ندارد. حال پرسش این است که آیا شاعر می‌تواند بر خلاف منظور اصلی سخن براند و شعری شاد اندیش و حیات‌بخش یا غم اندیش سرسراید؟ در جواب باید گفت که با توجه

به دنیای عینی و عینیت‌هایی که در مقابل شاعر قرار دارد کاری بس سخت و دشوار است زیرا که شاعر هر آنچه را که حس و لمس می‌کند را به تصویر می‌کشد و فکر می‌کند تنها راه، گرایش به سمت دنیای ذهنی است و دنیای ذهنی نیز جامعه حال را نمی‌سازد، بلکه آینده‌ای را برای آیندگانی می‌سازد که در شرایط حال قرار می‌گیرند؛ بنابراین بر خلاف منظور اصلی سخن گفتن در هر زمان و مکانی ممکن است اما این شکل از سخن از نوعی روگرفتگی و تقلید برخوردار نیست زیرا پشت‌بند آن واقعیاتی است که جامعه را به سمتی کلاسیک و زمان‌بر هدایت کرده است. تغییر جامعه‌ای که از کارکردهای دردمانی برخوردار شده است به همین سهولت

میسور نیست بلکه روش صحیح بازگفتی از همان دردمانی هاست با زبان و اندیشه‌ای نوتر که با این کار چرخش تغییر بر ایستایی چرخش بیشتری را پیدا می‌کند. برای مبارزه با یک موضوع که در جامعه متداول است باید از ابزاری استفاده کرد که از نوع و جنس همان موضوع است. به‌همانند مثال: وقتی غم و افسردگی در جامعه نمود دارد و زبان مردم نیز آکنده از درد و رنج است بایستی با واژگانی از همین دست به میدان مبارزه رفت. به دیگر بیان برای هم‌آورد با هر موضوعی که در جامعه حاکم است باید با ابزاری از جنس همان موضوع وارد میدان شد. نه غم و درد را به همین سادگی می‌توان از جامعه گرفت و نه عشق و شادی را. هر موضوعی که در جامعه رواج می‌یابد از یک سیر تعاملی و تکاملی برخوردار است و بدون در نظر گرفتن این سیر و طی طریق کردن آن نمی‌توان به نتیجه‌ای منتج دست یافت. به‌عنوان مثال: شعر کارگری یا شعر بازاری را نمی‌توان در جامعه حذف کرد زیرا که موضوعی به نام کارگر یا بازار در جامعه وجود دارد. برای جایگزین کردن یک مساله بایستی صورت مساله را از جامعه پاک کرد و پاک کردن صورت مساله هم در جامعه به همین سادگی نیست. ممکن است یک موضوع به نام کارگر در دنیای امروز کمرنگ شده باشد اما نفس آن در جامعه وجود دارد. پاک کردن صورت‌مساله را در جامعه، تنها با پاک کردن عینیت آن مساله قابل‌رفع و حل نیست بلکه صورتی باطنی و ذهنی به درشتی تاریخ جامعه دارد که به همین سهولت مرتفع نمی‌شود. چون تاریخ هر موضوعی وجود دارد آن موضوع موجود است. بنابراین کار هنرمند و یا شاعر با وجود آن موضوع است نه تاریخ و موجودیت آن موضوع و در اینجا است که صورت‌مساله‌ای به‌نام کارکرد دردمانی شعر نمود و نمودی بیشتر را به خود احساس می‌کند.

همان‌طور که اطلاع دارید، به دنبال افزایش نرخ تورم در ماه‌ها و سال‌های اخیر، بازار کتاب نیز دستخوش گرانی‌های بی‌سابقه‌ای شده، تا جایی که مطابق با گزارش خانه کتاب، قیمت متوسط کتاب‌های چاپ شده در آذر ماه، به بالای ۸۵ هزار تومان رسیده است. تحلیل شما از شرایط کنونی بازار کتاب چیست؟

بله. متأسفانه قیمت کتاب به‌شدت افزایش پیدا کرده و باید گفت کتاب دیگر به یک کالای لوکس تبدیل شده است. طبیعتاً به دلیل همین قیمت بالا، قشر متوسط توان خرید کتاب را ندارند؛ آن هم در شرایطی که قشر متمکن هم عموماً تمایلی به خریدن و مطالعه کتاب ندارند. بنابراین شرایطی که امروز شاهد آن هستیم، در حکم زنگ خطر می‌باشد. متأسفانه قیمت کتاب به‌شدت افزایش پیدا کرده و باید گفت کتاب دیگر به یک کالای لوکس تبدیل شده است. طبیعتاً به دلیل همین قیمت بالا، قشر متوسط توان خرید کتاب را ندارند؛ آن هم در شرایطی که قشر متمکن هم عموماً تمایلی به خریدن و مطالعه کتاب ندارند. بنابراین شرایطی که امروز شاهد آن هستیم، در حکم زنگ خطر می‌باشد. متأسفانه قیمت کتاب به‌شدت افزایش پیدا کرده و باید گفت کتاب دیگر به یک کالای لوکس تبدیل شده است. طبیعتاً به دلیل همین قیمت بالا، قشر متوسط توان خرید کتاب را ندارند؛ آن هم در شرایطی که قشر متمکن هم عموماً تمایلی به خریدن و مطالعه کتاب ندارند. بنابراین شرایطی که امروز شاهد آن هستیم، در حکم زنگ خطر می‌باشد.

به نظر شما سرانجام کاغذ به عنوان اصلی‌ترین ماده اولیه مصرفی در تولید کتاب، چه خواهد شد؟ قیمت این نهاده با وجود حمایت‌های دولتی و تأکید بر تقویت واحدهای تولید، سیر صعودی داشته و در

در گفت‌وگو با جلال ذکایی مطرح شد؛

تیراژهای ۵۰ نسخه‌ای و آخرین هشدار برای صنعت نشر

شرط بقای صنعت نشر، تشکیل کنسر سیوم‌های مشترک است



آرمان ملی - هادی حسینی نژاد: افزایش نهاده‌های تولید کتاب و در راس آنها کاغذ، قیمت کتاب را به شکل فزاینده‌ای گران کرده است؛ تا جایی که قیمت هر صفحه کتاب به ۵۰۰ تومان رسیده است. این وضعیت، بیش از پیش دست‌اندر کاران و حلقه‌های صنعت نشر را دچار چالش و رکود کرده و قشر کتابخوان جامعه نیز که معمولاً به لحاظ اقتصادی، وضعیت میانه‌ای دارد از دست‌رسی به کتاب‌های مورد نیاز خود باز داشته است. گواه روشن این شرایط، تقلیل تیراژ کتاب‌ها به ۱۰۰ و حتی در مواردی به ۵۰ نسخه است. در این شرایط، ظرفیت‌های صنعت چاپ نیز بیشتر به سمت مصارف تجاری و بسته‌بندی معطوف شده است و به نظر می‌رسد چاپ دیجیتال، آینده محتوم صنعت نشر باشد. در این باره گفت‌وگویی را با جلال ذکایی، نایب‌رئیس اتحادیه چاپ دیجیتال و لیتوگرافی و مدیر کل اسبق دفتر چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ترتیب داده‌ایم تا از او بیرومون معضلات امروز صنعت نشر و همچنین راهکارهای احتمالی برای گذار از بحران بپرسیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح این گفت‌وگوست.

همان‌طور که اطلاع دارید، به دنبال افزایش نرخ تورم در ماه‌ها و سال‌های اخیر، بازار کتاب نیز دستخوش گرانی‌های بی‌سابقه‌ای شده، تا جایی که مطابق با گزارش خانه کتاب، قیمت متوسط کتاب‌های چاپ شده در آذر ماه، به بالای ۸۵ هزار تومان رسیده است. تحلیل شما از شرایط کنونی بازار کتاب چیست؟

بله. متأسفانه قیمت کتاب به‌شدت افزایش پیدا کرده و باید گفت کتاب دیگر به یک کالای لوکس تبدیل شده است. طبیعتاً به دلیل همین قیمت بالا، قشر متوسط توان خرید کتاب را ندارند؛ آن هم در شرایطی که قشر متمکن هم عموماً تمایلی به خریدن و مطالعه کتاب ندارند. بنابراین شرایطی که امروز شاهد آن هستیم، در حکم زنگ خطر می‌باشد. متأسفانه قیمت کتاب به‌شدت افزایش پیدا کرده و باید گفت کتاب دیگر به یک کالای لوکس تبدیل شده است. طبیعتاً به دلیل همین قیمت بالا، قشر متوسط توان خرید کتاب را ندارند؛ آن هم در شرایطی که قشر متمکن هم عموماً تمایلی به خریدن و مطالعه کتاب ندارند. بنابراین شرایطی که امروز شاهد آن هستیم، در حکم زنگ خطر می‌باشد.

بله. متأسفانه قیمت کتاب به‌شدت افزایش پیدا کرده و باید گفت کتاب دیگر به یک کالای لوکس تبدیل شده است. طبیعتاً به دلیل همین قیمت بالا، قشر متوسط توان خرید کتاب را ندارند؛ آن هم در شرایطی که قشر متمکن هم عموماً تمایلی به خریدن و مطالعه کتاب ندارند. بنابراین شرایطی که امروز شاهد آن هستیم، در حکم زنگ خطر می‌باشد. متأسفانه قیمت کتاب به‌شدت افزایش پیدا کرده و باید گفت کتاب دیگر به یک کالای لوکس تبدیل شده است. طبیعتاً به دلیل همین قیمت بالا، قشر متوسط توان خرید کتاب را ندارند؛ آن هم در شرایطی که قشر متمکن هم عموماً تمایلی به خریدن و مطالعه کتاب ندارند. بنابراین شرایطی که امروز شاهد آن هستیم، در حکم زنگ خطر می‌باشد.

به نظر شما سرانجام کاغذ به عنوان اصلی‌ترین ماده اولیه مصرفی در تولید کتاب، چه خواهد شد؟ قیمت این نهاده با وجود حمایت‌های دولتی و تأکید بر تقویت واحدهای تولید، سیر صعودی داشته و در

ارسال ۳۰۰ هزار نسخه کتاب به کتابخانه‌های عمومی کشور

به ۵۰۰ باب کتابخانه عمومی اصلی استان‌ها و شهرستان‌ها ارسال شد. «حاج قاسم (سر دلبران، حکایت هفتم)»، «لیل و گل سرخ (مجموعه داستان‌های کوتاه اسکار وایلد)»، «نقاشی قهوه‌خانه» و «تاریخ طراحی گرافیک ایران» برخی از عناوین این بسته بود. بسته نورسیده ۵۵ حاوی ۲۷ عنوان کتاب در ۲۵۳۲۱ نسخه از ۲۴ ناشر از جمله ارجمنده، افق، انقلاب اسلامی، به‌نشر، کتاب جگرمان، لویه‌تو، معارف و هیرمند خریداری و به ۱۱۳۰ باب کتابخانه اصلی استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرها ارسال شد. «گل سرخ آزادی (هشت قصه از زندگی امام حسین (ع))»، «داستان پیامبران (دوره ۱۲ جلدی)» و «پنجمین زن» برخی از عناوین این بسته بود. در بسته نورسیده ۵۶ نیز ۵۱ عنوان کتاب در ۱۴۱۴۹۰ نسخه از ۲۳ ناشر از جمله اسم، اطراف،

و اینکه امکان افزایش پاره‌ها وجود ندارد و همچنین به دلیل افزایش شدید قیمت کتاب در یکی دو سال اخیر، حتی با فرض تخصیص تمام و کمال پاره‌ها، نمی‌توان تأثیر حائز توجهی را برای آن متصور بود. متأسفانه باید بگویم که پاره‌های کتاب در حال حاضر تنها به دلخوشی‌هایی کوچک و گذرای تقلیل پیدا کرده که تأثیر چندانی برای جامعه و صنعت نشر ندارند.

به عنوان آخرین سوال، به نظر شما چرخه نشر (اعم از ناشر، چاپخانه‌ها، موزعان و کتابفروشان) باید با چه استراتژی‌ای به مدیریت و کنترل شرایط موجود بپردازد؟ راه‌های مختلفی باید مورد بررسی قرار گیرد تا ببینند کدام یک برای گذار از شرایط موجود، کارایی لازم را دارد. یکی از کارکردهای انجمن‌ها همین است که در شرایط بحرانی دور هم بنشینند و راهکار مناسبی را برای اعضای خود برگزینند و حتی آن را به دولت پیشنهاد کنند. فارغ از این وظیفه همیشگی، در شرایط بحرانی این رسالت پررنگ‌تر است. البته انجمن‌ها باید ظرفیت پیش‌بینی هم داشته باشند، یعنی قبل از بروز بحران، آن را پیش‌بینی کرده باشند و برای آن راهکارهایی را اندیشیده باشند. اما فقط یکی از پیشنهادهایی که به ذهن من می‌رسد و فکر می‌کنم از آن طریق بتوان صنعت نشر، به‌خصوص ناشران متوسط و کوچک را از بحران خارج کرد، جمع منابع؛ اعم از منابع انسانی، منابع مالی و سرمایه‌های پیدا و پنهانی مثل حق نشر کتاب‌هاست. در واقع ما به کنسر سیوم‌هایی در صنعت نشرمان نیاز داریم که با جمع سه، چهار تا ۱۰ تا تشکیل شوند و منابع آنها را در یک فضای اشتراکی، به کار گیرد. صنعت نشر باید به فعالیت‌های مشترک روی بیاورد زیرا دیگر فعالیت فردی برای ناشران کوچک، امکان پذیر نیست. برای تحقق این هدف، چند پارامتر باید در کنار یکدیگر مورد توجه قرار داد: کاهش منابع مالی ناشران از یک طرف و افزایش قیمت نهاده‌های تولید (مانند کاغذ و مقوا و چاپ و...)، گران شدن کتاب و کاهش توان خرید مردم از سوی دیگر، همه و همه باعث می‌شوند ناشران در گام اول که بقااست، دچار چالش شوند. فعالیت در هر شغل و بیزینسی مستلزم این است که ابتدا به شرایط بقا در بازار رسید؛ بنابراین باید هزینه‌های مزاد را به حداقل رساند؛ هزینه‌هایی نظیر اجاره‌های ملک، حقوق‌ها و دستمزدها، هزینه‌های جاری و هزینه‌های سربار. نکته بعدی این است که به‌رهوری از منابع را به بالاترین سطح برساند. بزرگ‌ترین منابع ناشران به نظر من، حق نشر کتاب‌هاشان است که متأسفانه در حال حاضر بسیاری از ناشران توان انتشار آنها را ندارند و بازار نیز کمبود کتاب را از برای عرضه آنها ندارند. اما اگر کاهش هزینه‌ها و استفاده بهینه از سرمایه‌ها و

امسال نیز شاهد این مساله بودیم. حتی در مواردی شاهد بودیم که مردم دست خالی از نمایشگاه بازمی‌گشتند؛ آن هم نه به دلیل کمبود کتاب بود و این تکررده‌اند، به این دلیل که توان خرید آن را نداشتند. بنابراین بعید می‌دانم که نمایشگاه کتاب بتواند با وجود پاره‌ها و بن کارت‌ها به فروش کتاب‌خوان از یکسو و اقتصاد نشر از سوی دیگر کمک شایانی بکند.

آیا سیاست‌های حمایتی نظیر تخصیص کارت و پاره‌های فروش در این رویداد، می‌توانند تأثیرات پایداری در اقتصاد نشر داشته باشند؟ کسی که از شرایط اقتصادی حاکم بر دولت و منابع مالی در اختیار دولت خبر داشته باشد، می‌داند که کسری بودجه حال حاضر، بی‌سابقه است. از طرف دیگر چندبرابر شدن قیمت کتاب، ماه‌آزای برابری در میزان افزایش پاره‌ها نداشته است. اخیراً خبری را شنیدم که مطابق با آن تا آذرماه، چیزی کمتری از ۵۰ درصد بودجه سال ۱۴۰۱ به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تخصیص پیدا کرده است. در این شرایط، خیلی سخت است که به پاره‌های بخش کتاب بتوان امیدوار بود. هر چند که به دلیل کمبود منابع

ما شاهد وضعیت بسامانی نیستیم؛ به‌طوری که حجم بالایی از کاغذی که در تولید کتاب مورد استفاده قرار می‌گیرد، به نشر کتاب‌های کمک‌آموزشی و دانشگاهی اختصاص می‌یابد که در دایره نشر عمومی کشور، تعریف نمی‌شوند. بنابراین در پاسخ به سوال شما: اگر مراد ما از نشر، کتاب‌های عمومی باشد باید بگویم نسبت چاپ نشر به چاپ بسته‌بندی بسیار پایین است. من خبر دارم که بسیاری از ناشران به انتشار کتاب با تیراژهای حداقلی؛ حتی در حد ۵۰ و ۱۰۰ نسخه روی آورده‌اند و به مجرد اینکه به فروش رسید، نسبت به چاپ نسخه‌های بعدی اقدام می‌کنند.

بنابراین گفته شما را تصدیق می‌کنم که سمت و سوی صنعت چاپ در کشورمان، معطوف به بازار بسته‌بندی است؛ هر چند که حوزه بسته‌بندی نیز با پررنگ شدن ظرفیت‌های چاپ دیجیتال، امکان شخصی‌سازی محصولات چاپی و تقویت چاپ POD (چاپ برحسب تقاضا) در آینده‌ای نه‌چندان دور، دچار چالش‌هایی خواهد شد.

چنانچه استحضار دارید، متولیان حوزه نشر در وزارت ارشاد، مترصد برگزاری سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران هستند. این رویداد در اتمسفر فعلی جامعه و با متغیرهای اقتصادی موجود، چقدر می‌تواند به بازار کتاب، رونق بدهد؟

من از دیدن بازار این باور را داشته‌ام که اساساً نمایشگاه کتاب تهران، یک جشن بزرگ است و خیلی نمی‌توان از آن برای توسعه و رونق دادن به بازار کتاب استفاده کرد. گو اینکه روایت‌های مختلفی وجود دارد که درصد قابل توجهی از فروش سالانه ناشران از طریق این رویداد محقق می‌شود، اما باید توجه داشته باشیم که حتی در این صورت، چنانچه کمبود منابع مالی طبقه متوسط جامعه و روند افزایش قیمت کتاب با همین منوال ادامه پیدا کند، نمایشگاه کتاب نیز نمی‌تواند کمکی جدی به صنعت نشر بکند. تخصیص پاره‌ها نیز به دلیل محدودیت در بودجه، ظرفیت مشخصی دارد و امکان پوشش دادن تمام جامعه نیست. به همین خاطر فکر می‌کنم نمایشگاه کتاب تهران یک رویداد فرهنگی جشن‌گونه بوده که تا حدی به اقتصاد نشر نیز کمک می‌کند، اما با شرایطی که امروز در جامعه و بازار کتاب شاهد آن هستیم، کوچک شدن سبد خرید باید‌زندگان از این رویداد امری بدیهی و محسوس است؛ کمالینکه در نمایشگاه

مناسیبی را برای تولید کاغذ ندارد و باید به فکر راهکارهای جایگزین باشیم. وقتی تا بهالهی چاپ هم‌محبت می‌شویم، از تضعیف بخش فعال در نشر و گرایش به چاپ‌های صنعتی و تجاری خبر می‌دهند. اوضاع از چه قرار است؟ از طرف دیگر در سال‌های اخیر، شاهد رشد تکنولوژی‌های چاپ دیجیتال بوده‌ایم که بخشی از آن در حوزه چاپ روزمیزی در خدمت چاپ نشر قرار گرفته‌است تا جایگزینی تیراژهای پایین کتاب باشند. آیا آینده چاپ کتاب را باید در چاپ دیجیتال متصور بود؟

البته این مساله، تنها مختص ایران نیست و اساساً در جهان رخ داده است. یادم می‌آید در گزارش‌هایی که ۱۰ سال پیش به دستم می‌رسید، نسبت چاپ نشر به چاپ بسته‌بندی، ۳۰ به ۷۰ یا ۴۰ به ۶۰ بود. اما این نسبت در حال حاضر خیلی تغییر کرده و فکر می‌کنم در صد چاپ نشر تنها بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از ظرفیت تولید صنایع چاپ را به خود اختصاص دهد. البته این ارقام، مربوط به کشورهای توسعه‌یافته است که هنوز تیراژ کتاب در آنها، ارقام بالایی را شامل می‌شود. این نکته را نیز باید در نظر داشت که در این کشورها، ملاحظات زیست‌محیطی، کارخانه‌ها و دست‌اندر کاران این صنعت را به استفاده از کاغذهای بازیافتی ملزم می‌کند. حتی برای حفاظت از محیط زیست، استفاده از کتاب‌های الکترونیک و پلتفرم‌های مختلف کتابخوانی نیز در این کشورها ترویج می‌شود که زیرساخت‌های خاص خود را می‌طلبد. در ایران

مناسیبی را برای تولید کاغذ ندارد و باید به فکر راهکارهای جایگزین باشیم. وقتی تا بهالهی چاپ هم‌محبت می‌شویم، از تضعیف بخش فعال در نشر و گرایش به چاپ‌های صنعتی و تجاری خبر می‌دهند. اوضاع از چه قرار است؟ از طرف دیگر در سال‌های اخیر، شاهد رشد تکنولوژی‌های چاپ دیجیتال بوده‌ایم که بخشی از آن در حوزه چاپ روزمیزی در خدمت چاپ نشر قرار گرفته‌است تا جایگزینی تیراژهای پایین کتاب باشند. آیا آینده چاپ کتاب را باید در چاپ دیجیتال متصور بود؟

البته این مساله، تنها مختص ایران نیست و اساساً در جهان رخ داده است. یادم می‌آید در گزارش‌هایی که ۱۰ سال پیش به دستم می‌رسید، نسبت چاپ نشر به چاپ بسته‌بندی، ۳۰ به ۷۰ یا ۴۰ به ۶۰ بود. اما این نسبت در حال حاضر خیلی تغییر کرده و فکر می‌کنم در صد چاپ نشر تنها بین ۱۰ تا ۱۵ درصد از ظرفیت تولید صنایع چاپ را به خود اختصاص دهد. البته این ارقام، مربوط به کشورهای توسعه‌یافته است که هنوز تیراژ کتاب در آنها، ارقام بالایی را شامل می‌شود. این نکته را نیز باید در نظر داشت که در این کشورها، ملاحظات زیست‌محیطی، کارخانه‌ها و دست‌اندر کاران این صنعت را به استفاده از کاغذهای بازیافتی ملزم می‌کند. حتی برای حفاظت از محیط زیست، استفاده از کتاب‌های الکترونیک و پلتفرم‌های مختلف کتابخوانی نیز در این کشورها ترویج می‌شود که زیرساخت‌های خاص خود را می‌طلبد. در ایران

«جاره‌نشین خیابان الامین» و «پدر و مادرم دیوانه‌ام کرده‌اند (قصه‌های با پدر و مادر)»، برخی از عناوین این بسته بود. در بسته نورسیده ۵۶ نیز ۵۶ عنوان کتاب در ۶۳۴۲۰ نسخه از ۴۰ ناشر از جمله امیرکبیر، آریان، آفریتگان، ترجمان، حکمران، خط مقدم، خیمه، روایت فتح، سایه سخن و شهید ابراهیم هادی، علمی، گاه، معین، مطاف عشق، نقیر، هزاره ققنوس، ویژه نشر خریداری و به ۱۱۳۰ باب کتابخانه‌های اصلی استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرها ارسال شد. «گناه تو گناه من»، «ماجراهای زفی»، «جاده رستگاری»، «مردان نامرئی»، «ساختمان کیناپراس»، «بی‌سلطنت»، «حجت خدا» (۱۱ داستانک از شهید مدافع حرم محمد حسینی) و «دایرة‌المعارف طرز کار اشیاء پیامروان‌ها» برخی از عناوین این بسته است.

آفاق، بین‌المللی حافظ، دانژه، دفتر نشر فرهنگ، سوره مهر، علمی و فرهنگی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتابک، ماهی، مدرسه، مهرسا، نگاه و نون خریداری و به ۳۴۱۰ کتابخانه نهادی و مشارکتی ارسال شد. «رگ و ریشه»، «کارآگاه لفلین زبل (کلاس اولی کتاب اولی)»، «دلیل بریدنم»، «هزار جان گرامی»، «نامه‌های من و تو»، «گوگ» برخی از عناوین این بسته بود. بسته نورسیده ۵۷ حاوی ۴۰ عنوان کتاب در ۴۵۲۰۰ نسخه از ۲۶ ناشر از جمله افق، افکار، ۲۷ بعثت، راه یار، شقایق، طلایی، کتاب پارک، نیستان، مهراندیش، هوپا و ویدا خریداری و به ۱۱۳۰ باب کتابخانه اصلی استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرها ارسال شد. «عملیات عطش»، «شبیخون به خفاش»، «پهپاداها؛ زندگان هدایت‌پذیر»، «من بلام بگم (من بلام بگن بله)»،